

مناسبات جنسیت ها

برگرفته از: "فرهنگ تاریخی-انتقادی فمینیسم"*

برگردان: ناصر پیشرو

مناسبات جنسیت ها، بعنوان یک واژه در بسیاری از حوزه ها رواج دارد اما تا به حال به ندرت مفهوم ژرف آن درک شده است به همین خاطر و هم زمان با طرح بحث ها و برداشت های متفاوت است که می توان به توضیح مفهومی آن پرداخت. این مفهوم باید توان بررسی انتقادی تنش بین جنسیت ها را در کلیت روابط اجتماعی داشته باشد.

مفهوم مناسبات جنسیت ها، نتیجه روابط بین دو جنس مورد بررسی را پیش شرط قرار می دهد:

وجود "جنسیت ها" به معنای مرد و زن که هر یک از آن ها پیش یافته ی تاریخی اند. (محصول تاریخ اند). مکمل یکدیگر بودن در روند تولید مثل، پایه طبیعی است که بر اساس آن آنچه که اعتبار "طبیعی" دارد، خود از طریق اجتماعی در روند تاریخ شکل می گیرد. بدین ترتیب جنسیت ها از این روند اجتماعی نابرابر بیرون می آیند و نابرابری های آنها، مبنای قرار می گیرد برای شکل

گیری روندهای بعدی و جنسیت، خود معیار تنظیم روابط در تمام اشکال اجتماعی آن می شود. هیچ حوزه ای نمی تواند بدون پژوهش در چگونگی شکل گیری و شکل دهی جنسیت به طور منطقی مورد بررسی قرار گیرد. اگر از این کار صرف نظر شود - همانطور که به طور سنتی معمول است - قاعدتا تصویر تمام روابط خود بخود مردانه ظاهر می شود. مخالفت با این روند و در نظر گرفتن تحقیق پیرامون "زنان فراموش شده" دستاورد فمینیسم در ثلث آخر قرن بیستم است. البته در آغاز اغلب نگرش ها محدود می شد به پدیدارشناسی مردان و زنان و این که چگونه آن ها تحت تاثیر مناسبات جنسیت ها در ارتباط با یکدیگر رفتار می کنند و پدیده ای که به تحلیل مناسبات بین انسان ها مربوط می شود، خود می تواند از درون آن روابط بوجود بیاید.

در زبان آلمانی روشن است که وقتی مناسبات جنسیتی به شکل فرد مفرد مطرح می شود، چگونه جابجایی مهمی تقریباً در همه کارها رخ می دهد. (دریک محاسبه اینترنتی که طی سال های 1994 تا 2000 به زبان آلمانی انتشار یافته از 145 سرتیتر رسانه ها فقط 4 سرتیتر، مناسبات جنسیت ها را در معنای جمع بکار برده اند. در زبان انگلوساکسون از واژه جمع جندر) (Gender) استفاده می شود اما در معنای مفرد بکار برده می شود). نشانه، مفرد تمایل دارد که متناسب با طبقه بندی مردان و زنان در حوزه های منتخب قرار بگیرد. برای کسی که مفهوم همه جانبه ای از مناسبات جنسیت ها را مدنظر دارد در ادامه برایش دشوار است که از زیر بار فرضیه مستحکمی در باره مناسبات جنسیت ها، شانه خالی کند.

برای این که روابط جنسیت ها که در برابر متضادهای (برابر

ایستاهای) خود متحرک و متغیراند، در معنای درست جمعی آن درک شود، هزینه های آن هم باید پرداخت شود. به عبارت کامل تر مناسبات جنسیت ها، همانند روابط تولید، در برگیرنده لایه های بسیاری از مناسبات پراکسیسی (کنشی-نظری) است و تحلیل آن، هم شامل در نظر داشتن پدیدار شدن آکتورهای آن و هم تمامی روابط تجدید تولید اجتماعی است.

برگرفته از:

HISTORISCH – KRITISCHES WÖRTEBUCH D DES FEMINISMUS

نکاتی در حاشیه متن ترجمه:

در جنبش زنان روایت های کم و بیش واحدی از مفاهیم اجتماعی، سیاسی و ... که به نابرابری مناسبات جنسیت ها ربط پیدا می کند، وجود ندارد. چه بسا که از واژه های همسان، مفاهیم متضادی برداشت می شود. "فرهنگ تاریخی – انتقادی فمینیسم" کوششی است برای پاسخ یابی به این معضل. البته باید در نظر داشت که موضوع نقد و بررسی تنها به این فرهنگ محدود نیست بلکه خود آن را هم در برمی گیرد. از جمله مساله "مناسبات جنسیت ها" که از مفاهیم جدل آفرین در جنبش زنان است.

* "مناسبات جنسیت ها" گزینه ای است فشرده از این مفهوم و برگرفته از "فرهنگ تاریخی- انتقادی فمینیسم". در این فرهنگ

واژه ها و مفاهیم مختلف جنبش زنان توسط فریدا هاگ گردآوری شده و جلد نخست آن را انتشارات آرگومنت در سال 2003 منتشر کرده است. لازم به توضیح است که خود این فرهنگ انتخابی است از موضوعات مربوط به جنبش زنان از یک فرهنگ گسترده دیگر به نام :

HISTORISCH – KRITISCHES WÖRTEBUCH

"فرهنگ تاریخی- انتقادی" که توضیح مفاهیم و واژه هایی در گستره، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مناسبات اجتماعی است که تا کنون 9 جلد آن توسط جمع گسترده ای از مارکسیست ها انتشار یافته و انتشار جلد های دیگر آن به زبان آلمانی و دیگر زبان ها ادامه دارد. بد نیست بدانیم که تراب حق شناس کمونیست مبارز و یار دیرینه فرودستان فلسطین در معادل سازی واژه های عربی این فرهنگ دست دارد.

1- نویسنده واژه آلمانی vorfindlich را بکار برده که معادل دقیق فارسی آن "پیش یافته" است. برای درک روان جمله اصطلاح "محصول تاریخ اند" که در فارسی رایج است را مترجم در پرانتز گذاشته است .

ناصر پیشرو

اکتبر 2011